

رویین RUYIN

یا

ژوین ZUBIN

از: مصطفی کاویانی

مقایسه‌ای بین دو بیت:

چو سی و سه مهر ز تخم پشنگ

که درین ندی شاهان روز جنگ

به گاه نبرد او نیدی پیش کوس

نگهبان گردان و داماد طوس

از شاهنامه فردوسی براساس چاپ مسکوب، صفحه ۱۸ جلد ۲

ایبات ۱۵۷ و ۱۵۸ با سه بیت:

چو سی و سه جنگی ز تخم پشنگ

که ژوین ندی سازشال روز جنگ

نگهبان ایشان همی ببرد ویو

که بودی دلیر و هشیوار و نیو

به گاه نبرد اویدی پیش کوس

نگهبان گردان و داماد طوس

از شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیم جلد ۳ صفحه ۷۷۶ بیت ۱۷۱

و ۱۷۲ و ۱۷۳.

رویین Ruyin - در شاهنامه فردوسی فرزند پیران و پسر است و

نخستین بار در داستان غم انگیز سیاوش و هنگام چوگان بازی

افراسیاب و سیاوش با نام او آشنایی شویم.

به نبرد سیاوش فرستاد یار چو رویین و چون شیده نام دارد

هنگامی که سیاوش آزاده و درست پیمان، به فرمان افراسیاب

اهرمی غم و بداندیش به دست ژوخیم دیوسیرتی چون گوری زره

تاجبوترانه به قتل رسید و صدها دلاور ایرانی همراه او را گردن زدند،

گویا هنوز عطش پایان ناپذیر افراسیاب، این مرد خون آشام دنیای

اسطوره‌ها، شش خون بیشتری بود و لهیب آتش سوزان طبع سرکش و

خون ریز او قربانیان بیشتری می طلبید، تصمیم داشت دختر بار دار

خود فرنگیس را که جفت خرمدند و با وفای سیاوش بود به قتل برساند

تا نسلی از سیاوش باقی نماند زیرا به خوبی می دانست.

به خون سیاوش سپه پوشد آب کسد زار نفرین بر افراسیاب^۲

به قول آقای شاعرخ مسکوب در کتاب سوک سیاوش صفحه ۳۶:

«مرگ او را جهان و جهانان بر نمی تابند و رعایان کشنده او محال

است، غروب این خورشید، تکوین آفتاب دیگری است که تپاه کشنده

تاریکی است. افراسیاب برای اجرای نیت شوم و قصد پلید و غیر

انسانی شده، به برادرش گرسبوز که وجودش تبلور و تجسم نامردمی و

شیطان صفتی و سرشار و لبریز لژرشک و فرومایگی بود، می گوید:

زسروده بسه درگه بسودنش کشان

بسرورز بسانان و مسردم کشان

بسدان نسا بگبرند سوی سرش

بسدوت بسر نسر همه چساروش

زسدنش همی چسوب تا تخم کین

بسریرزه براسین سرز نوردان زمین

نسخواهم زسیخ سیاوش درخت

نه شاخ ونه برگ و نه تاج و نه تخت^۳

بیلسم (Pilsam) برادر پیران و پسر به اتفاق دو برادر دیگرش لهاک

و فرسیدوره برای نجات جهان فرنگیس به سوی برادر مهنر خود پیران،

که به دور از این وقایع درختن به سو می برد، شناختند تا با نفوذی که

پیران سپهسالار، در افراسیاب دارد از فرج نایب ۱۰۰ بگر مکشته شدند.

فرنگیس جلوگیری شود.

پیلیم، پس از رسیدن به پیران و آگاهانیدن او از ماجرای هولناک

سیاوش، به برادر می گوید:

فرنگیس را نیو خواهد کشت مکن هیچ گونه براین کار پشند^۴

آنگاه پیران

خود و کتر دو روین و فرشید ورد برآورد زان راه ناسگاه کرد^۵

این دو روین تجلی رویین پسر پیران و پسر در شاهنامه فردوسی

است.

در جلد چهارم شاهنامه در صفحات ۱۰۵ و ۱۰۶ و در ادبیات

۱۵۰۲ و ۱۵۰۴ و ۱۵۰۵ و بهمرقته سه بار با نام رویین برخورد داریم

که همه تائیدی است بر اینکه رویین فرزند پیران است و در داستان

خاتون چین بیت ۷۸۲ نیز نام رویین با پدرش پیران و عموهایش هومان

و کلباد آمده است.

در جنگ دوازده رخ مجموعاً هفده بار نام رویین آمده است.

دو این جنگ رویین به عنوان سفیر و فرستاده پدر خویش پیران به

سوی گوردژ سپهسالار سیاه ایران می رود.

پسر بُد مروراو سسرانجمن یکی نام رویین رویینه تن

بندوگفت سردیک گوردژ شو سخن گوی مشتیار دباسخ سس^۶

هنگامی که رویین به حضور گوردژ می رسد و پیام پدر را تقدیم

می دارد.

به رویین چنین گفت پس بهلوان

که ای پسر سالار و فرخ جوان

تو سهمان مسابود باید نخست

پس این پاسخ نامه بایدت بست^۷

و در همین جنگ دوازده رخ است که طومار حیات رویین پیران به دست بیژن گیو درهم پیچیده می‌شود و به زندگیش خاتمه داده می‌شود. ششم بیژن گیو و رویین دمان به زه برهاند هر دو کمان^۹ در شاهنامه ترجمه بنداری آمده است:

«و اما الشادش و هُو بیژن بن جیو و فرژنه رویین بن پیران»
به رومی عمود آنگیه پور گیو

همی گشت باگرد رویین بنیو
زد از بساد برسرش رو می‌ستون
فرو ریخت از ترک او مغز و خون
کمنداندو افکند و بزین کشید

بُذ کسی که تیمار رویین کشید^۹
و این پایان ماجرای رویین پیران در شاهنامه فردوسی است.
دیرروزنامه که بخش کوچکی از آن با عنوان (سرگذشت بروز پسر سهراب) در جلد ششم شاهنامه (ملحقات) ندوین آقای دبیر سباقی، آمده است. چندین بار اسمی از رویین به میان آمده است و همه جا فرزند پیران ویسه معرفی شده است.

دره‌هایی بیژن به وسیله رستم از زندان افراسیاب (چاه اروزنگ) و جنگ افراسیاب و رستم که پس آمد آن بود شکست و هزیمت افراسیاب را به دنبال داشت. در بروز نامه آمده است که افراسیاب هنگام گریز به سوزمین شنگان رسید و در آنجا:

شبه سترک ناگه یکسی سنگرید
کنساروز مسردی سنساور بسدید
سنساور در آن دشت همچون هسیون

به تن همچو کوه و چه چهره خون^{۱۰}
آنگاه افراسیاب

به رویین چنین گفت روشزایان
مسراو اوساوارنه نسزوم دوان
چو بشنید رویین پیران چو سبوی بیامد به نزدیک بروز دایس^{۱۱}
هنگامی که بروز از زندان (ازک سیستان) می‌گریزد و در ره به رستم جهان پهلوان که از پای تخت به سوی سیستان در حرکت است برخورد می‌کند و باز آغاز جنگی سهمگین پیش‌بینی می‌شود. گرگین میلا^{۱۲} Gorgim milad که در زره همراه رستم است و از نتیجه نهای جنگ بین بروز و رستم بی‌بصاک است بدون اطلاع رستم، ایلهانه چاره اندیشی می‌کند و غذایی آلوده به سم کشته برای بروز می‌فرستد. رویین پیران

که به شکار رفته بوده است و در تعقیب شکاری است می‌تازد، ناگهان با بروز برخورد می‌کند و او را از خوردن غذا باز می‌دارد.

چو با جهاد همی راند است، به کردار آشفته آذر گشت
سپاهی پس پشت او سازیان چو آشفته شیران مازندران
یکس شیر بیکر درفش ازبش غلاش زده‌بها گهر برسرش
سپاهی از آن روی شرکان چمن سهدار روسن سواد گزین
سه و بیگان پور پیران گرد سواروی دلاور باد دسترد^{۱۱}
در سلسله وقایع شاهنامه جنگ سرخوش سلاک خسرو و افراسیاب، جنگ بزرگ نامیده شده است و این رخداد پس از واقعه دوازده رخ اتفاق افتاده و طبیعی است که رویین پیران، کشته شده در

جنگ دوازده رخ نمی‌تواند حضوری در جنگ بزرگ داشته باشد. اما در جنگ بزرگ چهاربار اسم رویین ذکر شده است.

نخستین بار هنگامی است که افراسیاب از نتیجه تاخت جنگ دوازده رخ و کشته شدن پیران، هومان، نستین، کنلید، لهاک و فرشید ورد پیران ویسه و رویین فرزند پیران آگاه می‌شود و بر آنتابان زاری می‌کند. از آن درد بگسریست افراسیاب

همی کند موی و همی ریخت آب
همی گشت زاری جهان بین من

سوار سرافراز رویین من
جهان جوی لهاک و فرشید ورد

سواران و گسردان روز نسبرد
لایسن جنگ پور و برادر نماند

بزرگان و سالار لشکر نماند^{۱۳}
تا آنجا که شاهنامه گوید است در پیکار دوازده رخ پسر و برادری افراسیاب کشته نشده است، یا اگر شده باشد بی‌نام زندان است، که آنهم بعد است فرزند افراسیاب و با برادری از آن او در میدان جنگ کشته شود و گنمان باقی بماند.

در حقیقت می‌توان گفت، هنگامه سهمگین دوازده رخ که کنش و کوشش هر دو سوی بنو دیه‌واج و مدح‌نهای خود رسیده است جنگ گودزیان با خانزاده ویسه است که به انتقام جنگ پشن Pasid گودزیان در نابودی دلاوران و سران دودمان ویسه توفیق بزرگی می‌یابند.

اما ایاتی که حاکی است افراسیاب بر مرگ پور و برادر می‌گریزد این نوحه را به وجود آورده که احتمالاً در این جنگ فرزند یا برادری افراسیاب کشته شده است و در منابع و مآخذ مورد استفاده فردوسی، داستانی بیانگر این امر بوده است و استاد توس از به نظم در آوردن آن خودداری کرده است و به صورت گذری و نظری فقط زاری افراسیاب را بیان کرده است که آن هم خلاف امانت داری و احترام فردوسی نسبت به منابع مورد استفاده‌اش می‌باشد و از سوی مشاهده می‌کنیم که افراسیاب فر فریبه خوانی خود نام برادران و فرزند پیران را بر لب دارد. علی توفیق تری این است که با نابودی پیران ویسه، سپهسالار اندیشمند و دانای توران و پاز و پیوند نزدیک افراسیاب، و مددبیش و یاریگر او در تمام جنگها، افراسیاب به عنوان سپهسالاری از رویان پیران و احترام به روح او، کشته‌ای رویین فرزند پیران احساس پدری و نسبت به لهاک و فرشید ورد احساس برادری داشته است.

همین ایاتی که مضمون ندیه و زاری افراسیاب است موجب شده که گروهی از فرهنگ‌نویسان در سن و او فرزند افراسیاب بدانند که در جنگ دوازده رخ به دست بیژن گیو کشته شده است.

دومین بار زمانی است که سپاه ایران به جیحون نزدیک شده است و افراسیاب می‌خواهد در سپاهیان توران برای جنگ و مقابله با کبکسرو ایجاد انگیزه و متجان کند و نیروی انتقام را در آنها ساور و آتش کینه را شعله ور کند و دست آویزی جز محبوبیت پیران بین سپاهیان ندارد.



بدان درد و زاری سپه را بخواند زبیران فراوان سخن‌ها براند زخون برادرش فرشید ورد زرویین و لهاک شیر نبرد کتون گاه کین است و آویختن لباگیو و گودرز خون ریختن^{۱۷}

سومین بار موقعی است که بزرگان توران برای ادامه جنگ و اطاعت از فرمان افراسیاب آمادگی خود را بیان می‌کنند.

که ما سر به سر نرئزایند ما بم به فرمان وایت سوانکتند ما بم جو رویین دیوان زمام نرئزاد جو فرشید ورد گوامی نرئزاد^{۱۵} در بیت اخیر، بعضی از نسخ شاهنامه بین اسم رویین و پیران حرف عطف (و) وجود ندارد و به صورت اضافه بنوّت یعنی رویین پیران آمده است.

چهارمین بار آن جاست که افراسیاب می‌خواهد یادکر کشته شدگان واقعه دوازده رخ که به نظر او بی‌گناه بوده‌اند و آگاهی نژادین نکته است که پیران فرق العاده مورد توجه و علاقه کیخسرو بوده است با ایجاد سخن نرحم در کیخسرو او را از ادامه جنگ بازدارد.

نسیبیره که رزم آورد بانیان دلش بسردی پشاند و کسما چشین بود رای جهان آفرین که گردد جهان پر زبرخاش و کین آسپاوش نه بری گنه کشته شد از آسوزگاران سرش گشته شد گنه گر مرا بود پیران چه کرد جو رویین ولهاک و فرشید ورد^{۱۶}

با توجه به آنچه عنوان شد در شاهنامه فردوسی فقط یک رویین

داریم که فرزند پیران و پشه است و نه داماد توس است و نه فرزند افراسیاب.

بنابر این مصلح دوم بیت اول رویشی که در آغاز این نوشته از شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو ذکر گردید نادرست به نظر می‌رسد و احتمالاً کاتبان گذشته هنگام نسخه‌برداری، اصل دست‌نویس را رعایت نکرده‌اند و برای اینکه شعر پیوند معنوی و اصولی خود را حفظ کرده باشد بیانی را حذف کرده‌اند و فرهنگ نویسان به استاد نسخ مغلوب رویین را فرزند پشنگ و داماد توس دانسته‌اند. رو نیز که از نژاد پشنگ است و سوی رو نیز فرزند کیخسرو است، بنا به متفرجات شاهنامه داماد توس و برادر همسر زوسپ فرزند توس است.

بین تامگر مادت آید که کیست

سراسیای در این ازبهر چیست؟

چشین داد پشخ مر او را نخوار

که این رو نیز است گرد و سوار

فسرینده و ریسمن و چاپلوس

دایر و جوان است و داماد توس^{۱۷}

رو نیز Riv miz داماد توس در جنگ با فرود سپاوش کشته شده است.

زسالآ خدنگی بسزد برسروش

که بر دوخت باتوک رومی سرش

ببفتاد و برسگت زواسپ نیز

به خاک اندر آمد سر رو نیز^{۱۸}

اصفهان - مصطفی کاویانی

۷۵/۱۰/۱۱

پی‌نوشتها:

۱. شاهنامه مسکو جلد ۳ سقمه ۸۶ بیت ۲۳۷۵
۲. ۱۵۰ بیت ۲۳۱۲
۳. ۱۵۲ بیت ۲۳۵۸ و ۲۳۶۲
۴. ۱۵۵ بیت ۲۳۸۲
۵. ۱۵۶ بیت ۲۳۸۸
۶. ۱۵۲ بیت ۱۱۸۲ و ۱۱۸۳
۷. ۱۱۹۶ و ۱۱۹۷ بیت ۱۵۳
۸. ۱۹۵ بیت ۱۹۰۰
۹. ۱۹۵-۱۹۶ بیت ۱۹۰۲، ۱۹۰۴، ۱۹۰۶
۱۰. تلفظ شاهنامه دبیر سیالی داستان بزرگیت ۸ و ۹
۱۱. ۲۰ و ۲۱
۱۲. ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸
۱۳. شاهنامه مسکو جلد ۵ سنگ بزرگ بیت ۲۱۱۲ و ۲۱۱۳
۱۴. ۱۵۰ و ۱۵۲
۱۵. ۲۵۸ و ۲۵۹
۱۶. ۲۱۹ و ۲۲۱
۱۷. ۶۵۳ و ۶۵۲ و ۶۵۶
۱۸. ۶۶۵ و ۶۶۶